

آنجی سیج

سپتیموس ہیپ

کتاب یکم

جادو

ترجمہ پرزہ انشادات



انشادات ناہید

سرشناسه
 عنوان و نام پدید آور : جادو / آنجی سیج؛ ترجمه پرتو اشراق.
 مشخصات نشر : تهران، ناھید، ۱۳۸۷.
 مشخصات ظاهری : ۴۳۷ ص.
 فروست : سپتیموس هیپ؛ کتاب یکم.
 شابک : 978-964-6205-85-7
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : داستان های کودکان آمریکایی - قرن ۲۰ م.
 شناسه افزوده : اشراق، پرتو، ۱۳۲۰ -
 رده بندی کنگره : ۱۳۸۷ ج ۲ س ۹ ص ۷ PZ
 رده بندی دیویی : ۸۱۳/۵۴
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۹۳۱۵۵

www.ketab.ir

- آنجی سیج
- سپتیموس هیپ: جادو
- ترجمه پرتو اشراق
- حروفچینی: شبستری
- چاپ اول: ۱۳۸۷
- چاپ دوم: ۱۳۹۳
- چاپ گلشن
- شمارگان: ۵۵۰ نسخه
- حق چاپ محفوظ است.
- www.naahid.com



انتشارات ناھید



شکارچی به دقت گوش داد. صدایی برمی‌خاست. اما جز شرشر آب نبود، در پس این صدای یکنواخت، سکوت سنگین برف حاکم بود و به آب خیره شده. گوشه‌ها دنبال نشانه‌ای می‌گشت. چیزی که علامتی، یا کلیدی باشد. شاخه‌های لای علف‌های کنار رودخانه چیزی بود، پرنده‌ای مصدوم و بیقرار، در گوشه‌ها در گم کرده - ولی هیچ ندید. هیچ. سکوت عجیبی برقرار شده بود. قورقور می‌خشید. پس از بارش برفی که روزها پشت هم طول کشیده بود، اکنون در راه‌ها کنار رفته بود و ماه‌گرد درخشان با تمام جلوه‌هایی که از پی‌وفایی‌ها و تازه‌های هیجان‌انگیز و حیرت‌آور بود خودنمایی می‌کرد. رودخانه پیچ‌خورده و در مهتاب موج‌های کوچک رقصان خود را با صدایی یکنواخت به نمایش می‌گذاشت و در میان چشم‌انداز برفی پیش می‌رفت، و کم‌کم بعد از ریزش خمیده خود ناپدید می‌شد. اکنون شبی کامل بود، و شکارچی حس می‌کرد که در پی شکار بود، و ماه تابناکی که می‌دید. از این بهتر برای شکار فرصت نبود.

شکارچی بی‌حرکت ماند. هیجان داشت. منتظر چیزی بود، حرکتی، خش‌خشی که خود را به او نشان دهد.

انتظار، و انتظار...

توجهش به چیزی جلب شد. چهره سفیدی از پشت پنجره کافه. صدای ترسان. صورتی که شاید از چیزی اطلاع داشت، احتمالاً از رازی باخبر بود. شکارچی لبخند زد. عاقبت نشانه‌ای یافته بود. و اکنون باید کار خود را دنبال می‌کرد. شاید به هدف رسیده بود.

فهرست

- ۱ • چیزی در برف ۱۳
- ۲ • سارا و سیلاس ۱۹
- ۳ • فرمانده کل ۳۱
- ۴ • ماریسا اور-استراند ۴۰
- ۵ • رخانه هیپ ۴۸
- ۶ • بی بی برج ۶۱
- ۷ • جوجو ۶۵
- ۸ • زانی ۷۵
- ۹ • قهوه سالسون ۸۱
- ۱۰ • شکارچی ۹۲
- ۱۱ • جستجو ۹۸
- ۱۲ • موریل ۱۰۶
- ۱۳ • تعقیب ۱۱۱
- ۱۴ • دین دیچ ۱۱۸
- ۱۵ • نیمه شب در ساحل ۱۲۶
- ۱۶ • بوگارت ۱۴۲
- ۱۷ • فقط آلتز ۱۵۰
- ۱۸ • کلبه کیپر ۱۵۷
- ۱۹ • عمه زلدا ۱۶۴
- ۲۰ • پسر ۴۱۲ ۱۷۳
- ۲۱ • راتوس راتوس ۱۷۹
- ۲۲ • جادو ۱۹۵
- ۲۳ • بالها ۲۰۴
- ۲۴ • جوجوهای سپردار ۲۱۴
- ۲۵ • ساحره وندرون ۲۱۹

www.ketab.ir

۲۲۵	جشن نیمه زمستان	• ۲۶
۲۳۷	سفر استانبلی	• ۲۷
۲۴۶	یخبندان بزرگ	• ۲۸
۲۵۶	مارها و موش‌ها	• ۲۹
۲۶۵	پیامی برای ماریسا	• ۳۰
۲۷۲	بازگشت موش	• ۳۱
۲۸۰	یخ‌ها آب می‌شود	• ۳۲
۲۹۲	چشم‌هایت را باز کن و منتظر باش	• ۳۳
۲۹۷	کمین	• ۳۴
۳۰۶	در قعر زمین	• ۳۵
۳۱۲	بخزده	• ۳۶
۳۱۹	فریاد	• ۳۷
۳۲۸	زهره‌خ آب می‌شود	• ۳۸
۳۳۶	ملاقات	• ۳۹
۳۴۱	دیدار	• ۴۰
۳۴۹	انتقام	• ۴۱
۳۶۲	توفان	• ۴۲
۳۷۰	کشتی ازدها	• ۴۳
۳۸۱	به سوی دریا	• ۴۴
۳۹۱	فروکش آب	• ۴۵
۳۹۸	مهمان	• ۴۶
۴۰۶	شاگرد	• ۴۷
۴۱۳	شام شاگرد	• ۴۸
	سپتیموس هیپ	• ۴۹
	عمه زلدا در آبگیر اردک چه دید!	• ۵۰
۴۳۰	چه بر سر بقیه آمد	• ۵۱

نویسنده این زمان خانم آنجی سِنِج در لندن متولد شد و در تیمزولی و کنت درس خواند.

در حالی که سرکار برکه زیبایی در کورنوال زندگی می‌کند و به نویسندگی مشغولست. از نظر آتاترک، قایق‌های صید صدف که مدام در رفت و آمدند می‌نگرد. خودش هم با قیقه تمام موریل دارد به رنگ سبز، که بادبان‌های کوچک قرمز دارد. آنجی کتاب‌های مسافرتی زیادی چاپ کرده و قصه‌های مختلفی برای بچه‌ها نوشته. این نخستین زمان است.

□

آقای مارک زوج تصویرگر کتاب‌ست. برای قصه‌های تخیلی تصویر می‌کشد. از کودکی به این نوع قصه‌ها علاقه مند بود و همین ذوق و استعداد نقاشی داشت این شغل را برای خودش انتخاب کرد. اکنون بیست و سه شرکت‌های انتشاراتی و مطبوعاتی که کتاب‌ها و نشریات کودکان چاپ می‌کنند، کار می‌کند. زاده پنسیلوانیاست و در همانجا زندگی می‌کند.